

بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر سرمایه گذاری در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی

نجیبه زینال اقدم^۱ حمیده زمانی امیرزکریا^۲

چکیده

اقتصاد مقاومتی روشی در تغییر مسیر حرکت اقتصادی کشور در مقابل اعمال تحریمها می باشد. این نوع اقتصاد، مفهومی عملی برای برداشتن گامهای بلند در راستای پیشرفت کشور در بعد اقتصادی، قدرت نظامی، فرهنگی، علمی و تکنولوژیکی است و پیام آن، تولید مبتنی بر تفکر، سرمایه و کار ایرانی با تکیه بر ثروت ملی برآمده از منابع خام می باشد. طرح مفهوم اقتصاد مقاومتی، در شرایط کنونی اقتصاد ایران رویکرد جدیدی در حوزه اقتصاد را نشان می دهد، که می تواند موضوعات جدیدی را با خود همراه سازد. از جمله این موضوعات، ارتباط بین اقتصاد مقاومتی، سرمایه اجتماعی و سرمایه گذاری است. مشاهده آثار همدلی و همراهی ناشی از اقتصاد مقاومتی، زمینه حضور آحاد جامعه را فراهم می آورد، همراهی و همکاری مردم با برنامه ریزان اقتصادی و مدیران جامعه آغاز می شود و در نتیجه این امر، کل جامعه حتی نسل های آتی نفع می برند؛ در این شرایط مفهوم سرمایه اجتماعی خود را نشان داده و با افزایش اعتماد پذیری و روحیه همکاری در بین نیروهای انسانی، جامعه را در نیل به اهداف اقتصادی یاری می رساند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه گذاری، اقتصاد مقاومتی

مقدمه

با ظهور انقلاب اسلامی، حکومت جدیدی در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشت و به مبارزه با آن پرداخت. ظهور چنین حکومتی در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار است، موجب شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه‌های نظامی، تهاجمات به عرصه‌های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه‌ها که به‌ویژه در سال‌های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده، عرصه اقتصادی است. (بالاسا، ۱۹۹۰). بنابراین انقلاب اسلامی ایران مکلف به نوآوری و نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های جدید اقتصادی شد. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند، نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم، اقتصاد مقاومتی است. (علیخانی، ۱۳۸۰)

اقتصاد مقاومتی، راهبردی مدیریتی در حوزه اقتصاد و الگوی اقتصاد بومی است که با تأکید بر روی مزیت‌های تولید داخل، تلاش برای خوداتکایی و کاهش وابستگی‌ها به خارج کشور، می‌تواند ضامن استقلال و سربلندی کشور باشد. مفهوم اقتصاد مقاومتی در برابر تحریم‌های اقتصادی می‌تواند به بیان موضوعات جدیدی در اقتصاد بپردازد و بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی از منظر اقتصاد مقاومتی و تأثیرات آن بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، می‌تواند در دسته بندی این موضوعات قرار گیرد. بنابراین، این پژوهش بر آن است که ضمن ارائه مفهوم اقتصاد مقاومتی، به بیان ارتباط بین این مفهوم، سرمایه اجتماعی و سرمایه‌گذاری بپردازد؛ به منظور دستیابی به این هدف، مقاله حاضر به صورت زیر سازماندهی شده است:

پس از مقدمه، تعاریف و مفهوم اقتصاد مقاومتی در بخش دوم و ارتباط بین اقتصاد مقاومتی و سرمایه اجتماعی در بخش سوم بررسی می‌شود، بخش چهارم ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سرمایه‌گذاری را بیان نموده و در پایان، ارتباط سه مفهوم اقتصاد مقاومتی، سرمایه اجتماعی و سرمایه‌گذاری ارائه شده است.

اقتصاد مقاومتی

اصطلاح اقتصاد مقاومتی یک مفهوم ابتکاری است. این مفهوم در منابع مرسوم اقتصادی دنیا دیده نمی‌شود و نظریه یا تجربه مدون و مکتوبی درباره این مفهوم نمی‌توان پیدا کرد. طرح مفهوم اقتصاد مقاومتی در شرایط فعلی اقتصاد ایران که درگیر با تحریم‌های بین‌المللی است نشان از رویکرد جدیدی در حوزه اقتصاد دارد. اقتصاد مقاومتی به مثابه یک راهبرد مدیریتی در حوزه اقتصاد تلقی می‌شود که اگرچه در شرایط سخت و بحرانی معنی و کاربرد بیشتر و بهتری می‌یابد، اما لزوماً خاص شرایط سخت و بحرانی نبوده و در شرایط عادی نیز می‌توان آن را پیگیری کرد و از برکات آن بهره جست. این الگوی اقتصادی همچنین می‌تواند در ابعدی وسیع‌تر در خدمت اثبات کارآمدی الگوی مردم‌سالاری دینی قرار گیرد. (کمالی‌زاده، ۱۳۹۱)

اقتصاد مقاومتی راه‌حل مقابله با فشارهای اقتصادی است و به اقتصادی گفته می‌شود که آسیب‌ناپذیر یا غیروابسته به خارج باشد، به‌ویژه در مواردی که درآمدهای کشور از محلی تأمین شود که ممکن است توسط عوامل خارج از کشور به آن‌ها آسیب وارد گردد. رکن اصلی این اقتصاد، سپردن امور به دست مردم و به عبارتی مردمی‌سازی اقتصاد است، سایر ارکان اقتصاد مقاومتی شامل توانمندسازی و تقویت بخش خصوصی، حمایت از

تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی، کاهش وابستگی به نفت، مدیریت و اصلاح الگوی مصرف، اقتصاد دانش بنیان، استفاده از زمان، منابع و امکانات، حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تغییر ناگهانی قوانین و مقررات می باشد. (قلی زاده و تقی پور، ۱۳۹۱)

کشور ایران پس از ظهور انقلاب اسلامی و اعلان استکبارستیزی، با تهاجم های متفاوت از جمله تهاجم اقتصادی، روبرو بوده است. اقتصاد کشوری که دارای جهان بینی خاصی است و این جهان بینی با منافع ابر- قدرت های دنیا در تضاد است، اقتصاد خاصی خواهد بود. از این رو باید همه سازوکارها و اجزای کشوری چون ایران به گونه ای طراحی شوند که از آن در برابر تهدیدها حفاظت کنند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازند. لذا اقتصاد ایران می بایست متناسب با شرایط اقتصادی حاکم بر آن باشد تا بتواند مقابله با تهدیدها و تحریم های مختلف را دارا باشد. بنابراین، به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی، راهبردهای ایجابی خاصی را باید در دستور کار قرار داد، راهبردهای ایجابی در دو بعد راهبردهای ایجابی رو به داخل و رو به خارج مطرح می- شود.

راهبردهای رو به داخل: کشور ایران در حوزه اقتصادی با مشکلات عدیده ای روبرو است. بهره مندی ناصحیح از درآمدهای نفتی باعث شده است نظامات مختلفی همچون نظام مالیاتی و عدم وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، نظام پولی و عدم تنظیم مسیر خلق پول مبتنی بر درآمدهای نفتی، نظام مالی و اتکای بیش از حد دولت به نفت و نوسانات قیمتی آن، نظام ارزی و عدم مدیریت صحیح قیمت ارز برای تشویق صادرات و ثبات سازی اقتصاد کلان، نظامات علمی و عدم جهت گیری تولید علم برای کسب ثروت، نظامات پژوهشی و عدم پاسخگویی به نیازهای کشور، نظامات مربوط به کسب و کار و عدم شفافیت و کارایی لازم و ... برخی از این موارد هستند. با اعمال تحریم های اقتصادی و بروز مشکلات برای کشور در فروش نفت و تأمین درآمدهای ارزی، عامل مهم درآمدهای نفتی که سرپوشی بر این مشکلات نهادی بود کنار رفته و معضلات بسیاری بروز و ظهور بیشتری یافته اند. باید اذعان نمود که دلیل واقعی این مشکلات، عدم اصلاح ساز و کارهای اقتصادی کشور طی سال های متمادی بوده و همواره درآمدهای نفتی باعث شدند تا این اصلاحات نهادی که جراحی های هزینه بر و دردناکی برای اقتصاد ایران هستند، به تعویق بیفتند. راهبرد مهم اقتصاد مقاومتی در مواجهه با فضای داخلی کشور تلاش برای تبیین صحیح ریشه های مشکلات اقتصادی موجود و ارائه راه حل های نهادی و بلندمدت برای آن هاست. مردمی سازی اقتصاد یکی از مهم ترین این موارد است. پررنگ شدن عاملیت مردم در فعالیت های اقتصادی اهمیت بسزایی دارد، چرا که اقتصاد مبتنی بر مزیت عوامل انسانی اساساً تحریم شدنی نیست. حداکثر مقاومت اقتصادی زمانی بروز می کند که بدنه مردمی فعال شوند و میدان مبارزه و جهاد اقتصادی را فعال سازند. در واقع بایستی آن چه به بقای کشور و توسعه اقتصادی مربوط می شود، به مزیت رقابتی کشور تبدیل شود.

راهبردهای رو به خارج: طراحی اقتصاد مقاومتی باید به گونه ای باشد که مسیری برای سلطه بر کشور باقی نماند؛ لذا در بعد خارجی نیز اقتصاد مقاومتی به دلالت هایی منجر می شود. یکی از مهم ترین این دلالت ها توسعه ارتباطات خارجی اقتصادی با کشورهای منطقه و با کشورهایی است که همسویی ایدئولوژیک با کشور داخل دارند. در کشورهای با همبستگی بیشتر، تمایل کمتری به ورود در توافقات ضدامنیتی بر علیه یکدیگر

دارند. بلوکی از کشورهای همسایه با حجم اقتصاد و جمعیت بزرگتر، می‌توانند پایداری بیشتری از خود نشان دهند. از سوی دیگر، کشورهای واقع در یک منطقه، به سبب مواجهه با تهدیدات و فرصت‌های مشترک، امنیت-شان به هم گره خورده است، لذا توسعه ارتباطات منطقه‌ای می‌تواند بسیار سودمند باشد. جایگزینی و تنوع-بخشی به موارد وابسته‌ساز، یکی دیگر از راهبردهایی است که بایستی به آن توجه شود. تنوع و تکثر در موارد مهم و وابسته‌ساز، وابستگی را کم کرده و قدرتمندی به دنبال دارد. کلیه مسیرهای تعاملاتی کشور با خارج، بایستی بر این مبنا بازبینی شوند. در موارد ضروری و حیاتی حتی بایستی به دنبال جایگزینی کامل موارد وابسته‌ساز نیز بود. (محنت‌فر، ۱۳۹۱).

سرمايه اجتماعي

اصطلاح سرمايه اجتماعي اولين بار در سال ۱۹۶۱، توسط ژاکوب به‌کار برده شد. منظور ژاکوب از اين اصطلاح اين بود که در بين مردم و گروه‌های حاشيه‌نشین شهرها، ویژگی‌ها و خصلت‌هایی وجود دارد که موجب می‌شود آن‌ها بتوانند به خوبی با همدیگر ارتباط برقرار کنند و برای حل مشکلات خود گروه‌هایی را تشکیل دهند. منظور از سرمايه‌ی اجتماعي در اين بيان، نوعی همکاری و هم‌فکری خودجوش و از درون گروه-های محروم حاشيه‌نشین بود (توسلی، ۱۳۸۴).

بانک جهانی نیز سرمايه اجتماعي را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعي، روابط انسانی و هنجارها بر روی کیفیت تعاملات اجتماعي است. تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد، سرمايه‌گذاری و توسعه کشورهای مختلف دارد. تا دهه ۱۹۹۰ عمده نظریه‌های توسعه، دیدگاه‌هایی به نسبت کوتاه‌بینانه و حتی متناقض درباره نقش روابط اجتماعي در توسعه اقتصادي داشتند و توصیه‌های سیاسی که عرضه می‌کردند چندان قابل استفاده نبود (مور، ۱۹۹۷).

سرمايه اجتماعي عنصری مطلوب برای انجام همکاری‌های درون گروهی است و هر چه میزان آن بالاتر باشد دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه کمتری انجام می‌گیرد. اگر در گروهی به سبب نبود ویژگی‌هایی مانند اعتماد و هنجارهای مشوق مشارکت و سرمايه اجتماعي به اندازه کافی فراهم نباشد، هزینه‌های همکاری افزایش خواهد یافت و تحقق عملکرد، بستگی به برقراری نظام‌های نظارتی، کنترل پرهزینه‌ای پیدا خواهد کرد. در مقابل، وجود سرمايه اجتماعي به میزان کافی و مناسب، سبب برقراری انسجام اجتماعي و اعتماد متقابل شده و هزینه تعاملات و همکاری گروهی کاهش می‌یابد و در نتیجه عملکرد گروه بهبود می‌یابد (شاه حسینی، ۱۳۸۲).

در ادبیات معاصر توسعه برای حرکت از وضع موجود به مطلوب علاوه بر سرمايه‌های فیزیکی، انسانی، اقتصادي، سرمايه‌ی دیگری به نام سرمايه‌ی اجتماعي به عنوان یک دارایی جمعی ناپیدا مطرح شده است (نقدی، ۱۳۸۸). سرمايه‌ی اجتماعي برخلاف دیگر انواع سرمايه عمدتاً غیرفردی است و در شکل‌گیری روابط بین افراد و گروه‌ها خود را نشان می‌دهد. هرچند ممکن است خصوصیات فردی از قبیل صداقت به وجود سرمايه‌ی اجتماعي کمک کند، اما تا زمانی که روابطی بین افراد و گروه‌ها به وجود نیاید، سرمايه اجتماعي معنا و تحقق پیدا نمی‌کند. در دیدگاه‌های سنتی اقتصاد توسعه، سرمايه‌ی اقتصادي، فیزیکی و نیروی انسانی مهم‌ترین عوامل

معرفی می‌شدند، اما در عصر حاضر برای توسعه، بیشتر از سرمایه‌ی مورد تأکید اقتصاد کلاسیک به سرمایه‌ی اجتماعی نیاز است، زیرا بدون این نوع سرمایه استفاده از دیگر سرمایه‌ها به‌طور اصولی انجام نخواهد شد. در شرایط ضعف یا فقدان سرمایه‌ی اجتماعی سایر سرمایه‌ها به هدر می‌روند؛ از این‌رو، موضوع سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب می‌شود. در اندازه‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی به سه جنبه‌ی اعتماد بین افراد، گستردگی روابط پایدار و وجود هنجارهای مشترک توجه می‌شود؛ چون سرمایه‌ی اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه‌ی بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود. بنابراین، سرمایه‌ی اجتماعی در روابط بین افراد تجسم می‌یابد، یعنی سرمایه‌ی اجتماعی زمانی به‌وجود می‌آید که روابط بین افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش‌ها را تسهیل بخشد (نقدی و همکاران، ۱۳۸۹).

از نظر باس (۱۹۹۷)، نظریه سرمایه‌ی اجتماعی باید معطوف به بسط قضایایی در مورد شرایطی باشد که تحت آن حکومت‌ها و اجتماعات محلی بتوانند برای نیل به اهداف مشترک، تعاون و همکاری داشته باشند. از دیدگاه وی، سرمایه اجتماعی تعیین‌کننده ترتیبات نهادی افقی است که تأثیر مثبتی بر ایجاد شبکه‌های اعتماد، اداره‌ی بهتر امور و عدالت اجتماعی دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴ به نقل از باس، ۱۹۹۷).

سرمایه اجتماعی موجب می‌شود که اعضا جامعه به همدیگر اعتماد کنند و به تشکیل گروه‌ها و مجامع داوطلبانه بپردازند. آن‌چه که موجب تقویت سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌شود، این است که افراد در یک جامعه تنها به فکر منافع خود نبوده بلکه به انجام کار جمعی در قالب گروه‌ها و تشکل‌های داوطلبانه و غیرداوطلبانه بپردازند (سویزی، محمدی، ۱۳۹۰). در بیان کوتاه می‌توان گفت سرمایه اجتماعی به معنی، وجود روابط عمیق و گسترده بین افراد جامعه می‌باشد که روابط عمیق، به دلیل وجود اعتماد بین افراد جامعه و گستردگی روابط نتیجه‌ی وجود روابط متقابل میان افراد جامعه می‌باشد.

اقتصاد مقاومتی و سرمایه اجتماعی

در نظریه‌هایی که در زمینه رشد اقتصادی مطرح شده است بر عواملی مانند تحقیق و توسعه، انباشت سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی تأکید جدی شده است. شناسایی صحیح موتور رشد کشور و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت نیل به رشد و توسعه کشور، از جمله اموری است که می‌تواند نقش دولت در هر سطحی را برای سرعت بخشیدن به رشد و توسعه اقتصادی با ایجاد اقتصاد مقاومتی در ایران توجیه کند.

برای مشاهده آثار همدلی و همراهی ناشی از اقتصاد مقاومتی، نیاز به بسیج مردمی است و چنانچه در این بسیج همگانی، زمینه حضور آحاد جامعه فراهم آید؛ همانند فرصت‌هایی که در هشت سال جنگ عراق علیه ایران فراهم آمد و مردم توانستند در حوزه دفاع از این آب و خاک عرض اندام کنند، همراهی و همکاری مردم با برنامه‌ریزان اقتصادی و مدیران جامعه آغاز می‌شود، این به تعبیری آن فرصتی است که از دل تهدید بیرون آمده، نتیجه این است که کل جامعه حتی نسل‌های آتی از آن بهره‌مند خواهند شد. تحت این شرایط مفهومی تحت عنوان سرمایه اجتماعی خود را نشان خواهد داد که حفظ و افزایش این سرمایه از مهم‌ترین مسائل است. حمایت و همدلی آحاد جامعه بی‌تردید یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عواملی است که در کمرنگ‌تر کردن آثار

فشارها و تحریم‌های اقتصادی نقش دارد. صیانت و افزایش این حمایت و همدلی تا حدود زیادی در گرو ایجاد احساس مشارکت در فعالیت‌های ناظر بر توسعه کشور نزد طیف‌های مختلف جامعه است. به عبارت دیگر، به هر میزان طیف‌ها و گروه‌های مختلف نسلی، صنفی و جنسی در جامعه به این باور برسند که می‌توانند و باید در رشد و توسعه کشور نقش ایفا کنند، اندوخته ما از سرمایه اجتماعی افزون‌تر خواهد شد. واژه سرمایه دلالت دارد که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی ماهیتی زاینده و مولد دارد، یعنی ما را قادر می‌سازد ارزش ایجاد کنیم، کارها را انجام دهیم، به اهدافمان دست یابیم، مأموریت‌هایمان را در زندگی به پایان برسانیم و به سهم خویش به دنیایی یاری رسانیم که در آن زندگی می‌کنیم. وقتی می‌گوییم سرمایه‌های اجتماعی زاینده و مولد هستند، منظور این است که هیچ فردی بدون آن موفق نیست و حتی زنده نمی‌ماند (کلمن، ۱۹۹۰)

سرمایه اجتماعی و سرمایه‌گذاری

در ادبیات اقتصادی و الگوهای رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری به عنوان موتور محرک، عامل قوی رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است. انباشت سرمایه به لحاظ نظری یکی از پیش‌نیازهای اساسی فرآیند رشد اقتصادی به شمار می‌رود که می‌تواند از منابع داخلی و خارجی تأمین مالی شود. یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری، سرمایه اجتماعی است که می‌تواند سرچشمه بسیاری از فعالیت‌های بازدارنده دیگر مثل ناامنی و بی‌نظمی باشد (سویزی و محمدی، ۱۳۹۰). این نوع مفهوم از سرمایه، یکی از عوامل اصلی در فرآیند توسعه می‌باشد و تمام الزاماتی را که برای توسعه ضرورت دارد، در خود جای می‌دهد. سرمایه اجتماعی هم بر روند توسعه تأثیرگذار است و هم از آن تأثیر می‌پذیرد؛ به همین دلیل، با توسعه اقتصادی یک کشور، سرمایه اجتماعی آن کشور نیز باید توسعه یابد. به دلیل گستردگی مفهوم سرمایه اجتماعی، این مفهوم از مسیرهای مختلفی می‌تواند بر اقتصاد تأثیرگذار باشد. مسیرهای متعدد تأثیر سرمایه اجتماعی بر اقتصاد به دو بخش اثرات مستقیم و اثرات غیرمستقیم تقسیم می‌شود. اثرات مستقیم، آن دسته از تأثیرات سرمایه اجتماعی است که به‌طور مستقیم، باعث بهبود شاخص‌های اقتصادی می‌شود. در مقابل اثرات غیرمستقیم، طی یک فرآیند میان‌مدت و اغلب بلندمدت، باعث بهبود شاخص‌های اقتصادی می‌شود (استیگلیتز، ۲۰۰۰).

اثرات مستقیم

۱- اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه مالی

در اجتماعات دارای سرمایه اجتماعی بالا، مردم اعتماد بیشتری به یکدیگر دارند. سطوح بالای سرمایه اجتماعی به معنی برخورداری از سطح بالایی از اعتماد است. از آنجایی که فعالیت‌های اقتصادی، برای محقق شدن به افرادی نیاز دارند که بر رفتار آتی دیگران تکیه کنند، در جوامعی با اعتماد بیشتر، این فعالیت‌های اقتصادی، هزینه کمتری را به ذی‌نفعان تحمیل می‌کنند. هنجارهای مشارکت مدنی نیز از طریق اثر اعتماد بر فعالیت‌های اقتصادی، در بحث نمود پیدا میکنند؛ هنجارها باعث می‌شوند منافع کل که از نتایج همکاری اجتماعی به دست می‌آید، با مخارج کل فاصله زیادی ایجاد کند. به هر میزان که هنجارهای مدنی، فرصت-

طلبی‌ها را محدود سازد، هزینه‌های نظارت و اجرای قراردادها کاهش یافته و بازده بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها و مبادلات اقتصادی افزایش پیدا خواهند کرد.

۲- استفاده از چک

برای استفاده از چک، به اعتماد زیاد هر دو طرف نیاز است. به همین دلیل، بر خواست مردم برای استفاده از چک تأثیر می‌گذارد. از این‌رو انتظار می‌رود که خانواده‌ها در اجتماعاتی با سطح پایین سرمایه اجتماعی، تمایل کمتری بر استفاده از چک نشان دهند.

۳- تخصیص سبد دارایی

برای تخصیص دارایی مالی، همه خانواده‌ها با یک انتخاب اساسی بین نگهداری پول نقد و سرمایه‌گذاری، منوط به نوعی واگذاری کار به نمایندگان است، مواجه می‌باشند. سپرده‌گذاری یک خانواده در بانک، به معنی پذیرفتن نمایندگی بانک برای حفاظت و مدیریت دارایی خانواده است. از آنجایی که علاقه به نماینده‌پذیری، تحت تأثیر سطح اعتماد است، بنابراین افرادی که در مناطقی با سرمایه اجتماعی بالا زندگی می‌کنند، از آمادگی بیشتری برای پذیرش طرف سوم به عنوان نماینده برخوردارند تا حفاظت و مدیریت پول خود را به آنان بسپارند. به همین دلیل انتظار از خانواده‌هایی که در این مناطق زندگی می‌کنند، این است که بخش زیادی از ثروت مالی خود را در سپرده‌ها و سهام سرمایه‌گذاری کنند و بخش کمتری را به عنوان پول نقد باقی گذارند. به همین علت، هر گونه اثر سرمایه اجتماعی بر سپرده‌ها دلالت بر اعتماد دارد، نه بر اطلاعات. در واقع اعتماد، مسیر اصلی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار سرمایه‌گذاری است (استیگلیتز، ۲۰۰۰)

۴- وام‌گیری و قرض از دوستان و خویشان

وام‌گیری نیز متأثر از اعتماد است. به همین دلیل انتظار می‌رود عرضه وام به خانوارها در یک منطقه، ارتباط مثبتی با میانگین سطح سرمایه اجتماعی آن منطقه داشته باشد. جوامعی که از میزان بالای اعتماد برخوردارند، برای ایجاد توافق و همکاری، به نهادهای رسمی کمتری نیازمندند. به همین دلیل بازارهای اعتباری غیررسمی که وابسته به اعتماد بین شخصی است، می‌تواند سرمایه‌گذاری را برای جوامعی که واسطه‌گری‌های مالی به صورت رسمی شکل نگرفته‌اند، تسهیل کند (نک و کیفر، ۱۹۹۷).

۵- اثر سرمایه اجتماعی بر رشد

برخلاف باورهای معمول که تحقق رشد اقتصادی را یا مستلزم دولتی شدن اقتصاد و یا بازاری شدن آن می‌دانند، اقتصاد نهادگرایی جدید بر این باور است که اقتصاد باید ترکیب بهینه‌ای باشد از نهادهای بازاری و نابازاری؛ یا به تعبیر نهادگرایان، ترکیبی از بازار، دولت و بنگاه. سرمایه اجتماعی یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم ارائه شده در این زمینه است. نقش این مفهوم در عملکرد اقتصادی ملل، مناطق، جوامع و حتی شرکت‌ها حائز اهمیت فراوانی است. اثری که سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی می‌گذارد، اغلب از طریق سرمایه‌گذاری است.

به این مفهوم که سرمایه اجتماعی با فراهم کردن محیطی آرام و باثبات از نظر اجتماعی و سیاسی، در وهله اول بر سرمایه‌گذاری و سپس در مراحل بعدی رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هجرپ، ۲۰۰۳).

۶- اثر سرمایه اجتماعی بر گردش اطلاعات و جلوگیری از شکست بازار

از آن‌جا که در اقتصاد مبتنی بر بازار، عامل قیمت مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند، آن‌چه انحراف قیمت را به همراه دارد، تخصیص ناکارای منابع و به دنبال آن شکست بازار است. یکی از راه‌هایی که بر توسعه تأثیر می‌گذارد، گردش اطلاعات و انجام فعالیت‌های دارای منافع متقابل است. سرمایه اجتماعی از طریق گردش بهتر اطلاعات، بستری برای توسعه مالی فراهم می‌کند. میزان بالای سرمایه اجتماعی نتیجه تعاملات زیاد اجتماعی است. به همین دلیل، با بالا رفتن سرمایه اجتماعی، چرخش اطلاعات بیشتر شده و ناهمگونی اطلاعات نیز بین دو طرف قرارداد کاهش می‌یابد. این کاهش نه تنها افزایش اعتماد را به دنبال دارد، بلکه به‌طور مستقیم تقاضا و فایده قراردادهای مالی را بدون توجه به تأثیری که بر افزایش اعتماد می‌گذارد، افزایش می‌دهد (گیسو، ۲۰۰۰).

اثرات غیرمستقیم

۱- تأثیر سرمایه اجتماعی بر ساخت و انباشت سرمایه انسانی

جیمز کلنن منبع سرمایه اجتماعی و اثری که بر انباشت سرمایه انسانی می‌گذارد را معرفی می‌کند. به عقیده وی، هم سرمایه اجتماعی موجود در خانواده و هم سرمایه اجتماعی موجود در جامعه، تأثیر بسزایی در تربیت سرمایه انسانی نسل بعد دارند. کلنن بحث خود را در دو قسمت بیان می‌کند؛ یکی شناخت رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با تربیت سرمایه انسانی و دیگری رابطه سرمایه اجتماعی جامعه با آن. از دیدگاه وی، پیش‌زمینه‌ی خانوادگی یک دانش‌آموز، انباشت مهارت و دانش او را از سه مسیر تحت تأثیر قرار می‌دهد: اول، سرمایه مالی که با درآمد و ثروت خانواده برآورد می‌شود؛ سرمایه مالی وسایلی را فراهم می‌کند که دستیابی به اهداف، با آن‌ها آسان‌تر خواهد شد. دوم، سرمایه انسانی که با سطح سواد والدین برآورد می‌شود و یک بستر شناختی را به صورت بالقوه برای فرزندان فراهم می‌کند تا از آن طریق آموزش بهتری ببینند. سومین مسیر تأثیرگذاری خانواده بر فرد را سرمایه اجتماعی می‌داند و بیان می‌کند سرمایه انسانی در اختیار والدین، اگر با سرمایه اجتماعی که در روابط خانوادگی به‌وجود می‌آید، کامل نشود و فقط در محل کار یا جای دیگری غیر از خانه به کار برده شود، پیشرفت آموزشی برای کودکان را به ارمغان نخواهد آورد (چو، ۲۰۰۳).

۲- اثر سرمایه اجتماعی بر نوآوری

نک و کیفر (۱۹۹۷) کمبود سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته را به عنوان عاملی برای کم شدن نوآوری و خلاقیت معرفی می‌کنند. اثری که سرمایه اجتماعی بر نوآوری می‌گذارد، از طریق سرمایه اجتماعی میانی یا رابط اثر می‌یابد. کارکرد اصلی سرمایه اجتماعی میانی، این است که منابع، طرح‌ها و اطلاعات را از نهادهای رسمی فراتر از جامعه و به‌طور مشخص حکومت، به جامعه و نهادهای آن تسری دهد. این کار توسط بنگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی تحقق می‌یابد. سرمایه اجتماعی در سطح میانی، به پیشرفت شبکه‌های تحقیق و توسعه نیز کمک می‌کند. سرمایه‌گذاری‌های جدید، محتاج پیگیری مستمر فناوری و حرکت به سمت آن است. از

طرفی کاربرد نوآوری، نیازمند مقداری خطر کردن است که اغلب بنگاه‌ها قادر به پذیرش و تحمل این خطر نیستند. همکاری بنگاه‌ها، باعث می‌شود که خطر، فقط متوجه یک شرکت نباشد. به این ترتیب، در صورت شکست یک طرح، زیان وارده تقسیم شده و منجر به ورشکستگی نشود (نک و کیفر، ۱۹۹۷).

۳- اثر سرمایه اجتماعی بر کارایی دولت

سرمایه اجتماعی علاوه بر این که باعث انعقاد راحت‌تر قراردادهای و کاهش هزینه‌های مبادلاتی می‌شود، با بهبود کارایی دولت نیز بر عملکرد اقتصادی مؤثر است. این مطلب، بادر نظر گرفتن این که به خصوص در کشوری با اندازه بزرگ دولت، وضعیت اقتصادی دولت، وضعیت اقتصاد کل کشور را معلوم می‌سازد، بسیار مهم است. به عبارت دیگر جدا از اثرات مستقیمی که اعتماد و هنجارهای مدنی می‌توانند ایجاد کنند، اثرات غیرمستقیم نیز، از مسیرهای سیاسی امکان تأثیرگذاری بر سرمایه اجتماعی را دارند. این دسته از اثرات، اعمال حکومتی و کیفیت سیاست‌های اقتصادی را از طریق تأثیر بر سطح و نقش مشارکت سیاسی ارتقاء می‌بخشند. در جوامعی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند، مسئولان دولتی بیشتر مورد اعتمادند و اعلام مواضع و سیاست‌ها نیز به همین خاطر از اعتبار بیشتری برخوردار است. هر چه صحت این امر بیشتر باشد، اعتماد باعث افزایش سرمایه‌گذاری و دیگر فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. در چنین جوامعی، مردم مناطق مناسب‌تری را برای سرمایه‌گذاری برمی‌گزینند و آن دسته از فناوری‌های تولیدی را انتخاب می‌کنند که در بلندمدت بهینه باشند، نه در کوتاه‌مدت. (نک و کیفر، ۱۹۹۷).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت سرمایه اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری می‌باشد؛ سرمایه‌گذاری می‌تواند سرچشمه همه تحولات اقتصادی و اجتماعی، همچنین اساس تولید ثروت، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری باشد. سرمایه اجتماعی عاملی است که می‌تواند به تولید اعتماد و امنیت در جامعه کمک کند و با کاهش هزینه‌های کنترل جامعه، موجب تقویت همبستگی اجتماعی شود. سرمایه اجتماعی موجب افزایش بده‌بستان‌ها در سطح جامعه می‌شود، با نهادینه شدن بده‌بستان‌ها در نظام اجتماعی، قدرت سیاسی در سطح جامعه بازتولید و توزیع می‌شود. بنابراین سرمایه اجتماعی با تأمین اعتماد مردم به نهادهای دولتی و تحقق مشارکت اجتماعی، ضمن تأمین امنیت منجر به افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود (سویزی، محمدی، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی، با توجه به شرایط تحریم و فشارهای موجود، اگر بتوان روحیه همدلی و همکاری بین مردم در مقابله با مشکلات ناشی از تحریم‌ها را تقویت کرد، این خود افزایش سرمایه اجتماعی را منجر خواهد شد که بیانگر جنبه‌ای از اقتصاد مقاومتی می‌باشد. همچنین می‌توان بیان کرد داشتن پیشینه خوب از عملکرد افراد جامعه و نهادهای موجود در آن، که در نتیجه‌ی ایجاد اقتصاد مقاومتی حاصل می‌شود، باعث پدید آمدن سرمایه اجتماعی و دوام آن در جامعه خواهد شد. در چنین زمانی اعمال سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، می‌تواند همه افراد جامعه را دربر گیرد و به دولت یا حکومت تبدیل نشود.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت؛ با برقراری اقتصاد مقاومتی و پدیدار شدن سرمایه اجتماعی و افزایش آن، حضور و فعالیت اجتماعی افراد جامعه، با عملکرد اقتصادی بیشتر، همراه می‌شود، و به تبع وجود سرمایه اجتماعی اعتماد مردم به یکدیگر و به نهادهای دولتی تأمین شده و فضای آرام و باثباتی در جامعه فراهم می‌گردد، در نتیجه‌ی ثبات شرایط در جامعه فضا برای سرمایه‌گذاری و حتی ورود سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌آید.

۱. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه تهران، انتشارات نشر کلمه.
۲. توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۴). " سرمایه اجتماعی، ثروت نامرئی"، نشریه حیات نو اقتصادی
۳. سویزی، محسن و فریبرز محمدی، (۱۳۹۰). " نقش سرمایه‌گذاری در تأمین امنیت سرمایه-گذاری"، فصلنامه ره‌نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره سوم .
۴. شاه‌حسینی، ماهرو، (۱۳۸۱). " مطالعه و بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در عملکرد انجمن‌های اعتبار‌گردشی زنان در تهران"، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات).
۵. علیخانی، حسین، (۱۳۸۰). تحریم ایران شکست یک سیاست، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
۶. قلی‌زاده، حسن و آتنا تقی‌پور، (۱۳۹۱). " بررسی رابطه بین کاهش وابستگی به صنعت نفت و اقتصاد مقاومتی"، مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی دانشگاه گیلان.
۷. کلمن، جیمز (۱۳۸۱). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
۸. کمالی‌زاده، محمد (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی، الگوی جهادی پیشرفت اقتصادی، دیده‌بان، شماره ۸، ص ۱.
۹. محنت‌فر، یوسف، (۱۳۹۱). "حمایت از تولید ملی و اقتصاد مقاومتی". مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی دانشگاه گیلان.
۱۰. نقدی، اسدالله، (۱۳۸۸). " سرمایه اجتماعی و معمای رشد و توسعه"، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، شماره هفتم، صص ۱۴۵-۱۵۶.
۱۱. نقدی، اسدالله و همکاران، (۱۳۸۹). "سرمایه اجتماعی و نقش آن در فعالیتهای اقتصادی با نگاهی به استان همدان"، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره چهارم، صص ۱۹۴-۱۷۷.

12. Balasa, B. (1990). " Koreas Development Strategy, in Jene K. Kwon Ed, Korea Economic Development, Greenwood Press, Connecticut, PP. 1-17.
13. Chou, Yuan K., (2003), "Three Simple Models of Social Capital and Economic Growth", University of Melbourne, PP. 1-8.
14. Coleman, J. (1990). Foundation of Social Theory, Cambridge, MA, Harvard University Press.
15. Guiso, L., Sapienza, P., Zingales, L. (2000). " The Role of Social Capital In Financial Development", The American Economic Review. Vol. 94, No. 3, PP. 526-556.
16. Hjerpp, Reino, (2003). " Social Capital and Economic Growth, Revisited", VATT-discussion Paper, No 307, Government Institute for Economic Research Finland.
17. Knack, S., Keefer, P., (1997), "Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross Country Investing Action", Quarterly Journal of Economics, Vol. 112, No. 4, PP. 1251-1288.
18. Moore, M., (1997). "Societies, Politics and Capitalist in developing countries: a literature Survey", Journal of Developing Countries, 33(3): 287-3630.
19. Stiglits, Joseph E., (2000). "Formal and Informal Institutions", In Social Capital: A Multifaceted Perspective, ed. By p. Dasgupta, and I.Serageldin. The World Bank, Washington D.C.